ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

اقتصاد ملی و معمای از کجا آورده‌ای

یکی از وظایف مهم دولت، دفاع از حقوق مالکیت شـهروندان است. جوامعی که در جریان مسابقه توسعه‌یافتگی گوی سـبقت را از بقیه ربوده‌اند، دقیقا جوامعی هستند که دولت‌هایشان به‌خوبی توانسته‌اند حق مالکیت شهروندان را تثبیت کرده و از انواع گزندها محفوظ نگه دارند. ازاین‌رو این مطالبه درسـتی اسـت که شهروندان می‌توانند از دولت‌ها داشـته باشند. اما از سوی دیگر دولت برای اداره امور جامعه نیازمند مجموعه عظیمی از اطلاعات و آمار اسـت و بدون دسترسی به این اطلاعات نمی‌توان توقع داشت دولتمردان بتوانند در مسیر هدایت قطار اقتصاد جامعه به ریل پیشرفت و توسعه کاری از پیش ببرند. اطلاع از میزان اموال شهروندان و تغییرات آن در طول زمان جزء اولین قلم اطلاعات است کـه دولت برای برنامه‌ریزی و نظـارت بر اقتصاد جامعه به آن نیاز دارد. مقابله با فسـاد، مقابلـه با فرار مالیاتی و دریافـت حقوق دولتی با هدف بهبود بنیـه مالی دولت، همه و همه در گرو داشـتن اطلاعات کافی از اموال شهروندان است. دقیقا به همین دلیل مفهوم «از کجـا آورده‌ای» در ایام تدوین قانون اساسـی که اصلاح امور اقتصاد کشـور و مبارزه با بی‌عدالتی‌ها خواسـت همه مردم و صاحب‌منصبان بود، ورد زبان همگان شده بود. اینک جامعه ما به‌دنبال اهمال طویل‌المدت دسـت‌اندرکاران گرفتار شـرایطی شده است که در عین گسترش فقر عمومی و افزایش فشار اقتصادی بر مردم، طبقه کم‌جمعیتی از متنفذان یک‌شبه ره صدساله طی کرده و به صنف مولتی‌میلیاردرها پیوسته‌اند. همچنین گروهی از مدیران و صاحب‌منصبان در سـال‌های گذشته و در شرایطی که اقتصاد کشور گرفتار انواع مشـکلات رکودی و عدم موفقیت‌ها بوده، با موفقیت تمام توانسـته‌اند دارایی‌ها و املاک خود را افزایشی چشمگیر بدهند؛ درحالی‌که کارمندان زیردست آنان همواره نگران این بوده و هسـتند که چگونه حقوق اندکشـان را خرج کنند که آخر ماه گرفتار نشوند. به‌راستی در شرایطی که بسیاری از واحدهای صنعتی و تولیدی با مشکلات مالی ویژه دست‌وپنجه نرم می‌کنند، چگونه این جریان کسب ثروت متوقف نمی‌شود و فلان فرد صاحب‌منصب بدون اینکه فعالیت تجاری خاصی غیر از شغل جاری خود داشته باشد و بدون برخورداری از ارثیه یا جایزه ثبت اختراع یا هر فعالیت تجاری دیگر، ناگهان با هنرنمایی «کارخانه تولید دارایی» به قشـر مرفهین بی‌درد جامعـه می‌پیوندد؛ به‌گونه‌ای که حتی خردسـالان خانواده‌های وابسـته‌اش نیز صاحب حسـاب‌های بانکی میلیاردی یا دارایی‌های آنچنانی می‌شـوند؟!

بنابراین یکی از اولین قدم‌ها برای اصلاح امور اقتصادی کشور، فراهم‌کردن این امکان برای مدیریت جامعه اسـت که از جریان تولید ثروت و شیوه کسـب دارایی شهروندان و به‌ویژه مقامات و صاحب‌منصبان مطلع شـده و نقل و انتقال مشکوک اموال را شناسایی کند. اما مشـکل در اقتصاد ما فراتر از این است! فرصت‌طلبان متنفذ با استفاده از تابلوی مؤسسات خیریه اهداف تجاری خود را پیش می‌برند. به عبارت دیگر، تعریف مالکیت در جامعه ما با تعریف جهانی آن متفاوت شده است: فلان فرد فرصت‌طلب دوراندیش می‌تواند رفتار مالی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که دارایی آنچنانی به نام خود نداشـته باشـد و توجه ناظران احتمالی را به خود جلب نکند، اما او و وابسـتگانش در پناه یک تابلوی فریبنده می‌توانند کسـب‌وکار خانوادگی خود را حفظ کنند. قدرت متنفذان ثروت‌انـدوز که معمولا از ثروت خانوادگی موروثی بهره چندانی نداشته و تمام ثروت خود را فقط با زدوبندهای ویژه کسب کرده‌اند، در حدی اسـت که تاکنون اجازه مطرح‌شدن هرگونه نظارتی از این نوع را از سوی جامعه نداده‌اند. چند سال پیش فشار اینان رئیس وقت دولت را ناچار کرد تا بگوید «دولت قصد سرک‌کشـیدن به حسـاب بانکی افراد را ندارد». حتی تشکل‌های مردم‌نهاد فعال در میدان مبارزه با فساد که توانسته‌اند افرادی خوش‌نام، خدوم و پاکدست را با نیت خدمت به جامعه گرد هم بیاورند، در خود جرئت ورود به این میدان را نمی‌بینند. امروز مبارزه با رانت یک وظیفه بزرگ ملی بر دوش دولت است و اولین قدم در این میدان مشخص‌کردن میزان دارایی صاحب‌منصبان و ارائه گزارش شـفاف به جامعه است. در جامعه‌ای که مردم حق ندارند بدانند فلان خادم جامعه چقدر حقوق می‌گیرد و دارایی خود را چگونه کسب کرده، یا مدرک تحصیلی خود را با استفاده از چه «تک‌ماده»هایی گرفته است، یا فرزندان ذکورش خدمت سربازی‌شـان را در کدام پاسـگاه مرزی گذرانده‌اند و اینک با اتکا به کدام اندوخته خانوادگی به کسب‌وکار میلیاردی مشـغول هستند، هرگز نمی‌توان امیدی به اصلاح امور داشت. پیشنهاد روشـن نگارنده این است که رئیس‌جمهوری شخصا همین امروز فعالان میدان مبارزه با فساد را به نشستی صمیمانه دعوت کرده و به‌عنوان سخنگوی مردم از آنان بخواهد با جدیت تمام وارد میدان حساب‌کشـی از مقامات و متنفذان جامعه بشـوند و با گسترش شفافیت، عرصه را بر دلاوران رانت‌خوار که حقوق و امتیازات نجومی می‌گیرند و رندانه به ریش ملت می‌خندند، تنگ کنند. همین امروز که فردا دیر است.

• عکس: محمدسعید سعیدی، فارس

ریزش فقرا به حاشیه شهر در محلات فقیرنشین تهران شدت گرفته است

بیداد اجاره‌ها

مریم شـکرانی: تهران بنا بر اعلام مرکز آمار ایران، مستأجرنشـین‌ترین اسـتان ایران است و گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران حاکی از آن است که حدود چهار میلیون تهرانی، حاشیه‌نشین هستند یا در بافت ناکارآمد زندگی می‌کنند. با این حال اجاره‌بها در پایتخت ایران سر به فلک می‌گذارد و رقم اجاره‌خانه در محله‌های فقیرنشین تهران که گاهی در همسایگی حاشیه‌نشینان است، باورنکردنی به نظر می‌رسد. اجاره‌های گزافی که این روزها بنا بر گفته مشاوران املاک، در حال پس‌زدن کارگران از پایتخت است.

روی کاغذهـای کهنه قـرارداد اجاره‌خانه، چنـد لایه نایلونی کشـیده و چسـب زده اسـت. از زیر چادر سـیاه و مندرسـی که چشمانش را تا نیمه پوشـانده جوی نازکی به سمت ماسک آبی روی دهانش سـرازیر می‌شود. مشخص نیسـت عرق ساعت‌ها پیاده‌روی و سـرگردانی بین این بنگاه املاکـی و آن بنگاه املاکی است یا اشک؟

خطـاب به بنگاه‌دار که دفتری بزرگ با جلد زرشـکی چرک را زیـرورو می‌کند، می‌گویـد خدا را خوش می‌آیـد که حکم تخلیه گرفته؟ من یک زن بی‌سرپرسـت با یـک مادر علیل کجا بروم؟ به خدا خانه پیدا نمی‌کنم.

بنگاه‌دار زیر لب می‌پرسد حصارک کرج می‌توانی بروی؟ ملک خودم است.

و جـواب می‌شـنود: من برای غـذای بیرون‌بر... سـبزی خرد می‌کنـم. از اینجا تا حصارک کرج خیلی راه اسـت. مادرم آلزایمر دارد و نمی‌توانم جای دور بروم.

بنگاه‌دار گوشی تلفن را برمی‌دارد و می‌گوید خدا بزرگ است! ...

این فقط یکی از صحنه‌های روزمره املاکی کوچکی در انتهای اتوبان نواب- بریانک است.

در محله فقیرنشین عبدل‌آباد، نزدیک خیابان احسانی که بورس نـخ و پارچه ارزان اسـت، مردی روی صندلی‌هـای زهواردررفته املاکی با صاحبخانه جروبحث می‌کند: به مرگ بچه‌ام برای پول پیش خانه وسیله مسافرکشـی‌ام را فروختم ۶۷ میلیون تومان و یک هوندا ۱۵۰ دیسکی خریدم پیک کار کنم. می‌دانی نداری یعنی چه؟

صاحبخانه که با لباس کار چرب و پر از لکه‌های سیاه به بنگاه آمده است، جواب می‌دهد: قربانت بروم من هم که آقازاده نیستم صبح تا شب جان می‌کنم و دو تا انگشتم حین کار قطع شده، دخل و خرجم نمی‌خواند که طبقه پایین آن خراب‌شـده را اجاره دادم. چه کسـی خوشـش می‌آید توالت و حمامش را با مردم شریکی استفاده کند؟

بنگاه‌داران املاک می‌گویند دفاترشان هر روز صحنه این بحث و جدل‌هاسـت. یکی از املاکی‌های خیابان دولتخواه به «شرق» می‌گوید هفته پیش مسـتأجر با یک دبه بنزیـن اینجا آمد و روی خودش خالی کرد که به خیر گذشت!

بنگاه‌دار دیگری در همین محله می‌گوید: مستأجر پارسال خانه را ۲۰ میلیون تومان رهـن و ماهانه ۱.۵ میلیون تومان اجاره کرده است، امسال که برای تمدید آمده صاحبخانه می‌گوید ۵۰ میلیون تومان رهن بدهد و ۲.۵ میلیون تومان اجاره... مستأجر شوکه شده اسـت و آخر هم با پولی که داشـت در تهران خانـه پیدا نکرد و مجبور شد به چهاردانگه اسلامشهر برود.

او ادامه می‌دهد: این روزها دعواهای مستأجر و صاحبخانه بالا گرفته است. از شورای حل اختلاف محلات بپرسید چه صفی برای حکم تخلیه خانه تشکیل می‌شود؟ دولت گفت که در زمان کرونا صاحبخانه‌ها حق ندارند حکم تخلیه بگیرند ولی این حرف‌ها به درد همان رادیو و تلویزیون می‌خورد مگر کسی می‌تواند به زور در ملک مردم بنشیند؟!

تهران قطب مستأجران

این خلاصه‌ای از وضعیت مستأجرنشین‌ترین استان ایران یعنی تهران اسـت. بر اسـاس سرشماری سـال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، تهرانی‌ها کمترین سـهم مالکیت واحدهای مسکونی در ایران را دارند و کمتر از نیمی از پایتخت‌نشـینان یعنی ۴۸.۸ درصد از آنها مالک خانه هستند و بیشتر از ۵۱ درصد مردم تهران اجاره‌نشین به شمار می‌آیند. مستأجرانی که زیر بار فشار گرانی و اجاره‌خانه گاهی ناچار به مهاجرت و جابه‌جایی به حومه شهر شده‌اند.

آخرین گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در فصل زمستان ۱۴۰۰ مستأجرانی که قرارداد اجاره خود را تمدید کرده‌اند، به طور میانگین با ۵۰.۹ درصد افزایش اجاره‌بها مواجه شده‌اند.

در محله‌های فقیرنشـین شـهر اما اوضـاع خانه‌به‌دوش‌ها وخیم‌تر اسـت. در منطقه دولتخواه، جایی که مردم شانه به شانه حاشیه‌نشینان هسـتند، یک آپارتمان قدیمی ۶۰ متری نیاز به ۱۰۰ میلیون تومان ودیعه و بیـن دو میلیون و ۱۰۰ تا دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اجاره دارد.

در عبدل‌آباد هم کـه یکی دیگر از محله‌های زندگی فقیرترین تهرانی‌هاست، یک آپارتمان ۵۰ متری ۲۳ سال ساخت ۵۰ میلیون تومان رهـن و دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان اجاره داده می‌شود.

در محلـه پاسـگاه نعمت‌آبـاد هـم کـه به بـازار کهنه‌فروشـی خلازیـر معروف اسـت، یـک آپارتمـان ۶۰متـری قدیمـی ۳۰ میلیـون تومان رهـن و دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اجاره داده می‌شود.

اجاره‌بها در شـوش و میدان خراسان هم تقریبا در همین بازه قیمت است.

امسـال حداقل دستمزد پایه کارگران به حدود چهار میلیون و ۱۸۰ هزار تومان رسیده است و بسیاری از کارگران تهرانی به شرط آنکه پس‌انداز مناسـبی برای رهن خانه داشـته باشـند، ناچارند حداقل نیمی از حقوق خود را به عنوان اجاره‌خانه بپردازند.

هرچند بسیاری از این کارگران دستمزدهای قانونی نمی‌گیرند و بیمه ندارند یا اگر از دستمزدهای قانونی برخوردار باشند مدام در معرض اخراج و تعدیل هستند.

مشـاوران امـلاک تهران می‌گوینـد که با صعود سرسـام‌آور اجاره‌بها، پایتخت دیگر جای زندگی کارگران نیسـت و بسیاری از آنها به حاشیه شهر رانده شده‌اند.

آنهـا توضیح می‌دهند که ریزش قـدرت خرید مردم تقاضای اجاره در محلات جنوبی شـهر را افزایـش داده و همین موضوع شرایط را برای مستأجران فقیر دشوارتر کرده است.

بنا بر گفته آنها، دفاتر بنگاه‌های املاک جنوب شـهر، این روزها شـاهد زد و خورد و دعوا یا استیصال مستأجرانی است که حکم تخلیه گرفته‌اند.

۴ میلیون تهرانی حاشیه‌نشین هستند

مصطفی‌قلی خسـروی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک کشور به «شرق» می‌گوید مسـتأجران زیادی ناچار به مهاجرت از تهران شده‌اند که بخش درخور توجهی از آنان کارگران هستند.

البته دولت تلاش کرد به صورت دستوری وارد بازار اجاره‌بهای مسـکن شـود که گزارش‌های مراجع آماری و روایت‌های کف و کوچه‌خیابان‌های شـهر از اجاره‌نشـینی، نشان می‌دهد که موفق نبوده است.

با شـیوع کووید۹ در ایران، ستاد کرونا بخش‌نامه‌ای صادر کرد که صاحبخانه‌ها اجازه ندارند برای مستأجران حکم تخلیه بگیرند و حداکثـر افزایش مبلغ اجاره‌بهای سـالانه ملـک در تهران ۲۵ درصد است؛ اما دولت طبق معمول نتوانست به صورت دستوری بـازار را مهار کند و در همین بازه زمانـی گزارش‌های مرکز آمار و بانک مرکزی در مقاطعی از تورم ۵۰ درصدی اجاره‌بهای مسـکن در تهران حکایت دارد.

البته مصوبه سـتاد کرونا برای صادرنشـدن حکم تخلیه هم چندان قابلیت اجرائی نـدارد. نعمت احمدی، حقوق‌دان، در این زمینه به «شـرق» توضیح می‌دهد که سـتاد کرونا به شورای حل اختـلاف ابلاغ کرده که حکم تخلیه صـادر نکنند، اما در مواردی که صاحبخانه مدعی می‌شـود خودش نیاز به سکونت در خانه داشـته یا قصد فروش ملک را دارد، دیگر نمی‌شـود کاری کرد و حکم تخلیه صادر می‌شود.

بیت‌الله سـتاریان، تحلیلگر اقتصاد مسکن هم وضعیت بازار مسـکن را نگران‌کننده می‌داند و معتقد است وضعیت نامساعد اقتصاد کلان کشـور، بازار مسکن را هم مانند تمامی بازارها تحت تأثیر قرار داده است.

او می‌گوید که عرضه مسـکن نسـبت به تقاضا بسـیار پایین است و کاهش ساخت‌وساز و صعود قیمت زمین، افزایش قیمت مصالح ساختمانی و دسـتمزد کارگران و... همه و همه منجر به تورم بالا در بخش مسکن شده و از آن سمت تورم دورقمی موجب شـده مسکن از حالت کالای مصرفی خارج شده و به شکل کالای سرمایه‌ای تغییر کارکرد دهد و با ادامه این شرایط و تورم دورقمی این وضعیت ادامه دارد و بسـیاری مسـکن را نـه برای مصرف شـخصی که برای حفظ ارزش سـرمایه خریـداری می‌کنند. این تحلیلگر به «شـرق» می‌گوید تداوم شرایط فعلی در بازار مسکن، به رشد حاشیه‌نشینی دامن می‌زند.

در همین زمینه گزارش مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی حاکی از دوبرابرشدن جمعیت زیر خط فقر در سال‌های ۹۶ تا ۹۹ است و سـازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران سال گذشته خبر داد که حدود چهار میلیون نفر از مردم تهران حاشیه‌نشـین هسـتند یا در بافت ناکارآمد و سـکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند.

> بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، تهرانی‌هـا کمترین سـهم مالکیـت واحدهای مسکونی در ایران را دارند و کمتر از نیمی از پایتخت‌نشینان یعنی ۴۸.۸ درصد از آنها مالک خانه هسـتند و بیشتر از ۵۱ درصد مردم تهران اجاره‌نشـین به شـمار می‌آیند. مستأجرانی که زیر بار فشار گرانی و اجاره‌خانه گاهی ناچار به مهاجرت و جابه‌جایی به حومه شـهر شده‌اند. آخرین گزارش مرکز آمار ایران نشـان می‌دهد در فصل زمستان ۱۴۰۰ مستأجرانی که قرارداد اجاره خود را تمدید کرده‌اند، به‌طور میانگین با ۵۰.۹ درصـد افزایش اجاره‌بها مواجه شـده‌اند. در محله‌های فقیرنشـین شـهر امـا اوضاع خانه‌به‌دوش‌ها وخیم‌تر است.

دکـه‌خبر

برنج گران و فروش روغن محدود شد

قیمت سـه نوع برنـج ایرانی در بـازار به بیشـتر از کیلویی صد هزار تومان رسـید و فروش روغن در برخی فروشـگاه‌ها محدود شد. محدودیت فروش روغن در برخی فروشـگاه‌های تهران خبری است که مهر آن را منتشـر کرده و نوشـته اسـت خرده‌فروشی‌های تهران می‌گویند تولیدکنندگان عرضه روغن بـه بازار را کاهش داده‌اند. ایلنا هم از صعود قیمت سـه رقم برنج ایرانی به بـالای صد هزار تومان خبر داده و از قول حسـن تقی‌زاده، رئیس اتحادیه برنج‌فروشان بابل نوشت: قیمت برنج کشت دوم طارم، هاشمی و امراللهی در بنکداری کیلویی ۹۰ هزار تومان اسـت و این نوع برنج‌ها در خرده‌فروشی بالای صد هزار تومان به فروش می‌رسند. او گفته است: قیمت برنج داخلی به‌صورت تدریجی در حال افزایش است. قیمت برنج طارم بودارنشده که در بنکداری هفته گذشته کیلویی ۷۱ هزار تومان بفروش می‌رسید با آغاز هفته جدید قیمت آن به کیلویی ۸۰ هزار تومان رسید و قیمت برنج شـیرودی در بنکداری از کیلویی ۴۵ هـزار تومان به کیلویی ۴۸ هزار تومان افزایش یافته اسـت؛ همچنین قیمت برنج ندا از کیلویی ۴۲ هزار تومان به کیلویی ۴۵ هزار تومان رسـید. تقی‌زاده تأکید کرده که قیمت‌گذاری دستوری باعث شد کشـاورزان فروش بار را متوقف کنند، ازاین‌رو میزان عرضه در حجم درخور توجهی کاهش پیدا کرد.

حرف‌زدن با مدیرعامل ممنوع!

منطقه آزاد اروند بخش‌نامه عجیبی صادر کرده که گویا دبیرخانه شـورای عالی مناطق آزاد، ابلاغیه عجیب و پرحاشـیه منطقه آزاد اروند را ابطال کرد. به گـزارش ایلنا، اخیرا بخش‌نامه‌ای در منطقه آزاد اروند منتشر شد که طبق آن، منطقه آزاد اروند حرف‌زدن پرسنل با مدیرعامل، معاونان و مدیران را ممنوع می‌کند! در این بخش‌نامه آمده بود که صحبت درباره مسـائل شخصی و اداری ممنوع است و کارمنـدان اگر حـرف بزنند با آنها برخورد انضباطی خواهد شـد. اما دبیرخانه شـورای عالی مناطق آزاد، ابلاغیه عجیب و پرحاشیه منطقه آزاد اروند را ابطال کرد.

ادامه از صفـحه اول

مجمع تشخیص مصلحت (۲)

نظریه سیاسـی تشیع در مواجهه با مدرنیته به بازسازی نظریه ولایت مطلقـه فقیه پرداخت و به طراحـی دولت متمرکز دینی گرایش یافت؛ امـا امروز در برابر ضرورت‌های سـاختاری برآمده از پسـت‌مدرن و رشـد فناوری‌های «دیجیتـال» و انقلاب چهارم صنعتی چه پاسـخ نظری-نهادی دارد؟ آیـا می‌خواهد کماکان بـه برنامه‌ریزی جامع ادامه دهـد؟ برنامه‌ریزی جامع و نهادهای متکفل آن اینک بیش از پیش فلسـفه وجودی خود را از دسـت داده‌اند. اینک اندیشـه مدرنیته دولتی (تمرکز حکومتی) با افول مواجه شـده اسـت؛ یعنی حکومت‌ها دچار تزلزل ناشی از تکثر قدرت‌های گوناگون اجتماعی شده‌اند. نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی را از این منظر ببینیم.

۹- تاریخ نهادی در ایران نشـانی از تمایل نیروهای سیاسـی به گسترش حجم دیوان‌سالاری، واگرایی سیاسی از یکدیگر و عدم تمایل سیاسیون به بازنشسـتگی دارد. این بیماری را باید شناخت، واکاوی کرد و عوامل روانی،اجتماعی و سیاسـی آن را کشـف کرد تا بتوان نظامی کارآمد داشت. در این حوزه دچار غفلتی عمومی در سطوح مختلف حکومتی در ایران هستیم. در مجموع به دلایل پیش‌گفته به نظر می‌آید اکنون مجمع دورانی از افول را پیش‌روی خود دارد. برای ارتقـای کارآمدی نهادی باید چنین موضوعاتـی را به بحث دائمی تبدیل کرد نه اینکه آن را در سراپرده خاموشی و بیهوشی پنهان کرد.

سند کمپانی **خودروپژو۴۰۵ جی‌ال ایکس آی** رنگ یشمی متالیک مدل ۱۳۸۱ به شماره موتور ۲۲۵۶۸۱۱۶۹۴۰ و شماره شاسی ۸۱۰۱۴۹۷۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو مزدا کارا دوکابین مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید به شماره پلاک ۱۸ل۷۹۹ایران۲۵ شماره موتور E2n8a8480 شماره شاسی nagp2pc32ma289254 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

سند و برگه سبز (برگه کمپانی) غلطک هپکو راهسازی به شماره موتور ۶۹۴۹۶۶۷ و شماره شاسی ۱۲۲۷، شماره اجازه حمل ۶۴۱۲۱۴۲۰ و شماره سریال هپکو HKD1783J متعلق به **شرکت کاوه‌راه** به نمایندگی **آقای بهزاد مینایی**، تاریخ تنظیم سند ۱۳۷۹/۰۳/۲۴ دفتر ۵۷ شیراز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند موقت **خودروجک S3-AT** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ایران ۷۴ _ ۲۵۳ ن ۱۴ و شماره موتور HFC4GB33DK0003836 و شماره شاسی NAKSG7428KB116718 به نام **محمد علیزاده** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پروانه تردد سالیانه **خودروی سواری هیوندای تیپ توسان مدل ۲۰۱۷** به رنگ سفید به شماره پلاک ۵۴۳۵۴/۳۳ اروند به شماره شاسی KMHJ2813BHU383009 به شماره موتور G4NAGU316531 سیلندر ۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت ماشین و برگ سبز **خودرو پراید صبا** رنگ سبز متالیک مدل ۱۳۸۰ به شماره پلاک ۶۷۶د ۲۳ ایران ۸۸ و شماره موتور ۰۰۲۰۹۲۷۶ و شماره شاسی S1412279682333 به نام **حسین نعمتی قوچ‌احمد** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب روح الله حیدری** فرزند محمد رضا به شماره شناسنامه ۷۸ صادره از کرمانشاه در مقطع کارشناسی رشته مدیریت بازرگانی صادره از واحد دانشگاهی سنندج با شماره ۲۳۳۲۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج به نشانی: سنندج، سه راه ادب، دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

برگ سبز و کارت **خودرولیفان X60** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۴۴ - ۴۹۴ ه ۶۷ و شماره موتور LFB479Q140702464 و شماره شاسی NAKSG4310FB123112 به نام **حسین رمضانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی **موتورسیکلت طرنا** رنگ مشکی مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ۲۸۲۶۵ ایران ۱۲۳ به شماره موتور ۲۹۴۶۹۲۴ و شماره شاسی N1D***125B8605147 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط شده است.

بدینوسیله اعلام می گردد پروانه مطب پزشکی **اینجانب دکتر فریبرز عزیزی جراح ارتوپد** به شماره نظام پزشکی ۳۲۶۴۵ به همراه ۲ عدد مهر نظام پزشکی ارتوپدی مفقود شده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد. مراتب جهت اطلاع و اقدام مراجع قانونی اعلام می گردد.